

بازنمایی الزام حقوقی به پوشش اسلامی مبتنی بر حق زیست و امنیت معنوی

دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۸ تأیید: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱
فیروز اصلانی*
و علیرضا جعفرزاده بهاء‌آبادی**

چکیده

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، برآمده از ارزش‌های وحیانی اسلام، پیاده‌سازی احکام و موازین شرعی را اصلی‌ترین رسالت و هدف خود می‌داند. در این راستا، پوشش واجب اسلامی از مهم‌ترین احکام فقهی اجتماعی به‌شمار می‌رود که اهتمام به آن، زمینه‌ساز جامعه‌ای پیش‌رو به‌سوی رشد معنوی خواهد بود. زیست معنوی شهروندانی که در سایه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند تا حد زیادی به نهادینه‌سازی ارزش‌ها و موازین دینی توسط حکومت و اهتمام به آن‌ها از سوی شهروندان ارتباط دارد. اگر رسالت دانش حقوق، تضمین آسایش و نظم عمومی دانسته شود، در یک حکومت و جامعه اسلامی، حق بر تردد آزادانه و نامغایر با رشد معنوی (بدون آن که محدودیت فراگیری در نگاه و آزادی بصری در اثر پوشش ناهنجار و غیر شرعی گروهی از شهروندان به‌وجود آید)، از حقوق مهم افراد است و طبعاً دولت مکلف به تأمین و تضمین آن خواهد بود. از این حق می‌توان با عنوان کلی «حق زیست و امنیت معنوی» یاد کرد که در خصوص پوشش شرعی اسلامی قابل تصور است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی آن است که لزوم الزام و التزام به پوشش اسلامی از سوی حکومت و شهروندان را با اتکا به حق مذکور بازنمایی و اثبات کند.

واژگان کلیدی

پوشش اسلامی، حق بر امنیت معنوی، حق بر زیست معنوی، حقوق و آزادی‌ها

* دانشیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه تهران: aslanif@ut.ac.ir
** دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران:
alireza.jafarzadeh2411@gmail

مقدمه

«پوشش اسلامی»، «جامعه اسلامی» و «حکومت اسلامی» سه موضوع متصف و مرتبط به اسلام هستند که تصور ترکیب آنها پدیداری سؤالات بسیاری را در ذهن به دنبال دارد. «حکومتی» که به دنبال سعادت و کمال «جامعه» خود از مجرای نهاده‌سازی احکام الهی اسلام است، نمی‌تواند نسبت به اجرای احکام الهی مُسَلَّم در خصوص «پوشش اسلامی» فاقد برنامه و منطق باشد. پوشش شرعی یا همان حجاب از ضروریات دین اسلام (حکیم، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۳۹؛ سبزواری، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۲۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۳ و منتظری، ۱۳۷۱، ص ۴۵۷) و مورد اتفاق همه مذاهب است (الجزیری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۷۱ و الزحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷۴۶). مراد از ضروری دین:

چیزی است که جزء دین بودنش نیاز به استدلال و دقت نداشته باشد و جزء دین بودنش را هر مسلمانی می‌داند. مگر تازه مسلمانی که آگاهی و اطلاع به احکام عقاید اسلامی نداشته یا در منطقه‌ای باشد که دور از شهرهای اسلامی است و با مسلمانان رفت و آمد و معاشرت هم ندارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۳۶۷). برخی امور ضروری دین را اموری دانسته‌اند که ثبوت آنها در دین، نزد خواص و عوام بدیهی و آشکار است (گلپایگانی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۹ و بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۳). آیه‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌گوید:

بدون شک حجاب (پوشش اسلامی) از مسلمات اسلام است و تمام فقهای اسلام در آن اتفاق نظر دارند و هرگونه بدحجابی و بی‌حجابی بر خلاف شریعت مقدسه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۳۴).

قرآن کریم نیز در آیاتی به مسأله پوشش شرعی زنان^۱ و مردان^۲ مسلمان پرداخته و کلیاتی را در این زمینه تعیین نموده است. مضاف بر قرآن، منظومه روایی شیعه (و سنی) نیز مملو از دستورات و توصیه‌های فقهی و اخلاقی در خصوص پوشش و لزوم پوشیدگی مردان و زنان مسلمان است (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۲۳۶-۲۳۵، ۲۲۹-۲۲۸).

۲۰۵-۲۰۲، ۱۹۴-۱۹۳). بر پایه همین ضرورت دینی و فقهی پوشش شرعی در تمام مذاهب فقهی اسلام است که فقیهان (اعم از شیعه و سنی) همواره در باره مقدار و میزان و نه اصل آن به بحث و استنباط می‌نشینند. ضرورت فقهی حجاب در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، در نظرات فقهی شورای نگهبان نیز انعکاس یافته است که برای نمونه می‌توان به نظر این شورا^۳ در خصوص «لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» اشاره نمود که تصریح می‌کند: این مصوبه با حکم بعضی از ضروریات اسلام؛ مانند ارث، قصاص، دیه، طلاق، شهادت، سن بلوغ، محرمی و نامحرمی، حجاب، تعدد زوجات و... مغایرت دارد.

کنار هم قرارگرفتن دو عنوان «وجود دستورات الزامی اسلام برای پوشش اجتماعی مسلمانان» و «تحقق و استقرار حکومت اسلامی» و نیز درنظرداشتن این‌که «اجرا و تحقق کامل موازین دینی» و «برپایی و اقامه دستورات و معنویات اسلام» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۲۹۸ و ج ۵، ص ۱۵۲ و ج ۶، ص ۳۸۹ و ج ۱۴، ص ۴۱۴ و همو، ۱۳۹۷، ص ۷۳ و ۵۵)، اساسی‌ترین هدف تشکیل حکومت اسلامی است، این پرسش را مطرح می‌سازد که وظیفه حکومت اسلامی در زمینه پوشش اجتماعی شهروندان چیست؟ آیا الزام شهروندان به پوشش اسلامی در اجتماع، وظیفه یا حق حکومت اسلامی خواهد بود یا این‌که اساساً الزام مزبور ممنوع است؟ تبعاً این پرسش مطرح می‌شود که وظیفه شهروندان غیر مسلمان و یا شهروندان مسلمان بی‌مبالات^۴ نسبت به موازین شرعی، در باره پوشش اجتماعی اسلام چیست؟ آیا از نظرگاه منطق حقوقی، ملزم به التزام خواهند بود یا خیر؟

به نظر می‌رسد در بررسی مسأله مذکور، «حق بر زیست و امنیت معنوی» حلقه مفقوده و ازجمله حقوقی است که می‌توان با تأمل در مبانی و ارزش‌های حقوقی و نیز نظام فکری حقوق اسلام، آن را استنباط نموده و برای لزوم الزام و التزام به پوشش اسلامی از سوی حکومت اسلامی و دیگر شهروندان، به آن استدلال کرد. پژوهش حاضر با درنظرداشتن این مفهوم، به این پرسش پاسخ می‌دهد که «مبتنی بر موازین

حقوقی پذیرفته شده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، در رویکرد لزوم الزام و التزام به پوشش اسلامی در جامعه، «حق بر زیست و امنیت معنوی» چه جایگاهی دارد؟. آنچه که پرداختن به این مسأله را ضروری می‌سازد، آن است که اولاً: نظام حقوقی جمهوری اسلامی، حاکمیت را موظف به «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» دانسته^۵ و «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر» را وظیفه‌ای همگانی از جمله «دولت نسبت به مردم» معرفی کرده است^۶ و ثانیاً: «مظهر فساد و تباهی» و «منکر بودن» فعل و ترویج اندیشه «آزادی پوشش به سبک غربی (غیر اسلامی)»، امری مفروض تلقی می‌شود. لذا لازم است از نظرگاه حقوقی دو موضوع حق بر رشد معنوی و وظایف برآمده از آن برای دولت و شهروندان، مورد بررسی قرار گیرد.

موضوع این پژوهش علی‌رغم آن‌که به صورت پراکنده و اندک در مباحث علمی مورد توجه قرار می‌گیرد، اما به صورت پژوهشی مستقل و حقوقی، تاکنون مورد واکاوی قرار نگرفته است. برخی پژوهش‌ها نیز به اختصار از جوانب غیر حقوقی (مثلاً جنبه روانی یا دینی) و به صورت کلی، به مقوله سلامت معنوی و امنیت اجتماعی اشاره کرده‌اند که می‌توان از دو مقاله «نقش دولت‌ها در تضمین حق بر سلامت معنوی»، اثر علیرضا انصاری مهباری و همکاران و نیز «حجاب و امنیت اجتماعی»، اثر سیدمهدی سلطانی رنانی نام برد. با این همه، موضوع مقاله حاضر در نوع خود بدیع و جامع است و همین امر، موجب تمایز آن از دیگر آثار نسبتاً مشابه می‌گردد.

تنقیح مسأله این پژوهش وابسته به بیان مقدماتی است که پس از پرداختن به آن‌ها، نهایتاً حق بر زیست و امنیت معنوی شامل «حق بر رشد معنوی» و «حق بر تردد اجتماعی بدون محدودیت» مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

رسالت حقوق؛ تأمین آسایش و نظم عمومی

یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های دانش حقوق آن است که در سطح جامعه به‌عنوان ضامن هنجارهای اجتماعی ظاهر گشته و افراد بتوانند با اتکا به آن، استعدادهای طبیعی

خویش را به کار اندازند. به عبارت دیگر، حقوق در عین اعتراف به آزادی افراد، با در نظر گرفتن نظم و قرارداد اجتماعی، روابط افراد را به نفع نظم عمومی تنظیم نموده و از آن‌ها انتظار دارد که با تن دادن به فرامین آن، به محدودیت‌های ایجاد شده در راستای نظم و آسایش عمومی پایبند باشند (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۶). دانش حقوق همواره بر این حقیقت تأکید دارد که ایجاد نظم و آسایش عمومی، از مهم‌ترین اهداف حقوق و قواعد حقوقی است (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۳۵). در یک جامعه مطلوب مبتنی بر نظام حقوقی کارآمد، شهروندان متناسب با حقوق و آزادی‌های بنیادین و سازگار با هنجارهای فرهنگی خود، در نظم و آسایش عمومی و عادلانه زندگی می‌کنند. در تعریف نظم عمومی^۷ گفته می‌شود که:

مجموعه‌ای از شرایط عمومی و کلی که برای ایجاد امنیت، آسایش، بهداشت عمومی و اخلاق حسنه ضروری است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳).
هم‌چنین آسایش عمومی^۸ یعنی فقدان هرگونه آزار و ناراحتی در جامعه که از حدود متعارف و عادی زندگی در جامعه خارج باشد؛ مانند سروصدای زیاد؛ به‌ویژه در شب، تجمع و ازدحام در معابر و مجامع و اماکن عمومی، آلودگی محیط و ... که موجب ناراحتی اشخاص می‌شود. در تمام موارد این‌چنینی، مقامات صلاحیت‌دار حق دارند برای تأمین راحتی و آسایش عمومی، نسبت به وضع مقررات و صدور دستورهای لازم مبادرت ورزند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۸). به‌عبارتی دیگر، می‌توان گفت بر خورداری از یک زندگی آرام و به‌دور از کشمکش و پریشانی، بخشی از امنیت روانی جامعه است که همواره یکی از حقوق بنیادین افراد در جامعه به‌شمار رفته و تأمین آن به‌منظور استفاده شهروندان از ظرفیت‌ها و استعدادها، بر عهده حکومت‌هاست. در تعریف امنیت گفته شده که:

عبارت از اطمینان خاطری است که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند (همان، ص ۴۶).

برآمده از این تعریف، امنیت پدیده‌ای تک‌بعدی نیست که صرفاً با موضوع نظامی

مرتبط باشد، بلکه گستره‌ای؛ اعم از امنیت اقتصادی، سیاسی، فکری، روانی و عقیدتی را نیز در بر می‌گیرد (ضیایی فر، ۱۳۸۷، ص ۲۵۳).^۹ بدین ترتیب، می‌توان چنین گفت که تأمین اموری؛ مانند آسایش، آرامش، نظم و امنیت روانی برای شهروندان، از مهم‌ترین اهداف نظام‌های حقوقی است که در نتیجه آن، دولت نسبت به آن دارای تکلیف و شهروندان دارای حق خواهند بود.

بدیهی است که در زمینه تأمین اهداف فوق‌الذکر، همواره وجود تعارض‌هایی میان آرامش و آسایش فرد و اجتماع محتمل است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶، ص ۵۲۳)؛ لیکن بر اساس قاعده برجسته «تقدم نفع عمومی بر نفع خصوصی» (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۴۹)، تأمین اولویت‌دار «مصلحت عمومی» ضرورتی انکارناپذیر دارد. مصلحت عمومی، مصلحتی است که اختصاص به یک فرد یا گروه معین نداشته و سودمندی آن شامل عامه مردم و حداقل جمع کثیری شود؛ به‌طوری که در کسب منفعت از آن، خصوصیتی مطرح نباشد (عمید زنجانی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۹)؛ مصالح و منافع عمومی نیز توسط قانون مشخص و معرفی می‌گردند (حبیب‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۴۹). بنابراین، آنچه که در حقوق به‌عنوان یکی از اهداف عالی‌دنبال می‌شود، لزوم تحقق و تأمین آرامش و آسایش عمومی است که موضوعات و مصادیق آن‌ها بسته به بافت فرهنگی هر جامعه، تفاوت دارد.

مرز حقوق و آزادی‌ها

بشر به این امر اقرار دارد که برای زندگی اجتماعی، باید اصول زندگی مدنی را پذیرفته و به حدودی که توسط قوانین برای وی ترسیم شده است، پایبند باشد (نیلی احمدآبادی و کرباسی‌زاده، ۱۳۹۱، ش ۳، ص ۵۹). لذا در منابع حقوقی (گرجی، ۱۳۸۳، ص ۱۷)، قانون اساسی^{۱۰} و نیز اندیشه اندیشمندان اسلامی (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۱، ص ۴)، پیوسته بر این نکته تأکید شده است که حدود و گستره اعمال آزادی‌ها و حقوق تا جایی است که موجب تضییع یا محدودیت حقوق و آزادی‌های دیگران نشود. جان استوارت میل^{۱۱} که وی را «پدر لیبرالیسم» لقب داده‌اند، در جواز تحدید آزادی مضر به

دیگران می گوید:

هر نوع عملی که بدون علت مشروعی موجب آسیب دیدن دیگران شود، رواست که توسط عقاید عمومی و در موارد شدیدتر، با دخالت قانون ممنوع شود. آزادی فرد باید محدود به آن باشد که به دیگران آسیب نرساند (میل، ۱۳۴۰، ص ۱۲۹).

به عقیده میل، اگر شخص در جریان زندگی شخصی خود، شر و فساد را متوجه دیگران سازد، اجتماع باید به نمایندگی از افرادش، از وی انتقام بگیرد (میراحمدی زاده، ۱۳۸۷، ص ۴۱۳).

دین اسلام و حکومت برآمده از آن نیز علاوه بر توجه به شؤون اجتماعی (طباطبایی و خسروشاهی، ۱۳۸۷، ص ۲۴) و لزوم مراعات «حقوق و آزادی دیگران» در اعمال و برخورداری از حقوق و آزادی های خود، در محدودیتی دیگر تأکید دارد که هر فرد، از تمام حقوق و آزادی های معقول فردی خود تا جایی که «به مبانی و شؤون جامعه اسلامی لطمه و صدمه ای وارد نکنند»، برخوردار است (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۶) و کسی حق ندارد به بهانه بهره مندی از آزادی، در راستای تضعیف دین و ارزش های آن عمل کند.^{۱۲} برای نمونه، در جوامع بشری، آزادی عقیده و آزادی بیان همواره مشروط به رعایت حدود و موازینی است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹-۱۴۸). لذا دین اسلام هرچند آزادی فکر و عقیده را به رسمیت می شناسد، اما علنی نمودن افکار و باورهای منحرف، آلوده و منحل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی^{۱۳} در سطح جامعه را ممنوع دانسته و با آن مقابله می کند (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۳۳۰). این امر تبعاً و طبعاً در مورد اعمال و کردار افراد اجتماع نیز صادق است. اساساً اسلام ایجاد هرگونه ناامنی در جامعه را ظلم و تجاوز به حقوق دیگران و نتیجتاً، جرم می داند. استوار بر این، در نگرش اسلامی، یکی از وظایف اصلی دولت اسلامی برقرار ساختن امنیتی همه جانبه (از جمله امنیت روانی) است^{۱۴} که در سایه آن، خداوند پرستش و زمینه رشد بندگان او (بدون مورد تجاوز قرار گرفتن حقوق و ارزش های معنوی) فراهم گردد (رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۴)؛ تا جایی که مبنا و فلسفه تمام حقوق طبیعی بشر، از حق کسب دانش

گرفته تا آزادی بیان و آزادی اندیشه، امکان طی مسیر کمال و ارتباط با خداوند و حق اخلاق، دین‌داری و تاله، مهم‌ترین آن‌ها قلمداد شده است (بهارلویی، ۱۳۹۵، ش ۱۰، ص ۱۲). از این رو، هرگونه رفتار مخالف با هنجارها و باورهای دینی مقبول اکثریت مردم را نیز می‌توان از مصادیق اخلال در امنیت و آرامش روانی و فکری جامعه به‌شمار آورد (ضیایی فر، ۱۳۸۷، ص ۲۵۳). جلوگیری از این پیامد منفی، جز از طریق وضع قانون توأم با ضمانت اجرای قوی امکان‌پذیر نخواهد بود.

مختصر آن‌که، بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌ها مطلق نبوده و با محدودیت‌هایی مواجه است. «اضرار به دیگران» و «تضعیف مبانی و ارزش‌های الهی»، دو ملاک مهم در تحدید حقوق و آزادی‌ها هستند که در نظام حقوقی اسلام و بالتبع جمهوری اسلامی ایران، از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشند.

تفاوت دایره حقوق در جوامع

اصول کلی اخلاق عمومی حاکم بر جوامع و فرهنگ‌های گوناگون، معمولاً با یکدیگر متفاوتند و این برآمده از تفاوت مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی است که از سنت‌های اجتماعی، فلسفی و دینی نشأت می‌گیرد (روزبهان، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵). در همین راستا، بر اساس منظومه فکری اسلام، حدود حقوق و تکالیف لزوماً باید مبتنی بر ظرفیت بشری و سعه وجودی انسان باشد که شناخت و بازگویی این مهم جز توسط خداوند که صانع اوست و بر وجود وی احاطه کامل دارد، امکان‌پذیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱). در این عقیده، تعیین و تحدید حقوق فطری، طبیعی، فردی و اجتماعی انسان از سوی خداوند است. خداوند:

هم حدود و جایگاه حقوق انسان را معین کرده و هم آثار و نتایج آن را؛ هم حقوق واقعی و کاذب را از هم بازشناسانده و هم تکالیف افراد را در جایگاه مختلف در قبال آن حقوق مشخص کرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۷).

اعتقاد به مرجعیت خداوند و فرامین و آموزه‌های الهی شریعت اسلامی در کلیه

حقوق و تکالیف انسان، همان باور و اعتقاد شناخته شده اسلام است که منشأ و خاستگاه حق و تکلیف را بر خلاف تمام مکاتب غربی، ذات مقدس خداوند می‌داند.

بنابراین، می‌توان گفت مصادیق حق و آزادی‌ها بسته به تفاوت فرهنگی جوامع، با یکدیگر تفاوت دارند. در این جا می‌توان چنین ادعا نمود که پوشش اسلامی به‌عنوان یک ضرورت و واجب اسلامی، در جامعه‌ای با اکثریت مسلمان، بدون تردید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اهتمام به آن، موضوع حق و تکلیف در حوزه اخلاق عمومی قرار می‌گیرد. «ارزش‌گذاری بر آن رفتارهای اجتماعی که از دیدگاه اجتماع فضیلت محسوب می‌شوند و یا ارتکاب آن رفتارهای اجتماعی که از دیدگاه اجتماع، رذیلت تلقی می‌شوند»، معیاری برای شناسایی اخلاق عمومی شناسایی شده است (رهایی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۳) که مشخصاً بر لزوم توجه به فضایل و رذایل مد نظر جامعه تأکید دارد.

بدین ترتیب، مبتنی بر این گزاره که «حجاب و عفاف (پوشش اسلامی) یکی از هنجارهای الزامی دینی است که ترک آن موجب اختلال امنیت فکری، اعتقادی و روانی اکثریت جامعه مسلمان می‌شود»، پوشش، حیا و پاک‌دامنی از جمله حقوق عمومی^{۱۵} و مشترک^{۱۶} خواهد بود.^{۱۷} این قبیل حقوق اولاً، قابل گذشت، سازش و اسقاط از سوی افراد نیستند. ثانیاً، منافع، سود و امتیازهای آن به همگان می‌رسد و به فرد (نه از جهت فرد بودن، بلکه) از آن نظر که زیرمجموعه همگان قرار می‌گیرد، تعلق پیدا می‌کند. ثالثاً، وابسته به همگان است و نه فرد یا گروه خاصی (همایون مصباح، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶).

پوشش اسلامی از یک‌سو، یکی از مظاهر و نمادهای جدی پاکی‌ها و پاک‌زیستن و جلوگیری از آلودگی و انحرافات اخلاقی و جنسی به‌شمار می‌رود و از سوی دیگر، هرگونه رفتار (به‌معنای عام) که در جهت آسیب‌رساندن به عفت اجتماعی، پاک‌زیستن، پاک‌دامنی^{۱۸} و حجب و حیای عمومی^{۱۹} سرزند، مصداق تجاوز و بی‌حرمتی خواهد بود (همان، ص ۱۴۲). طبعاً در این خصوص، دولت اسلامی برای حمایت از حقوق معنوی افراد جامعه، در مبارزه با فساد و فحشا مسؤولیت دارد؛^{۲۰} همان‌گونه که شهروندان نیز در این زمینه علاوه بر حق، دارای تکلیف خواهند بود.

لزوم اجتناب از نگاه حرام در اسلام

یکی از گناهان بزرگی که مسلمانان از ارتکاب و ابتلای به آن در سطح جامعه بر حذر داشته شده‌اند، نگاه آلوده به نامحرمان است که نتیجه آن چیزی جز اشتعال شراره شهوت، حسرت و گناه نیست. نگاه غیر مجاز یا نگاه حرام، نگاهی است که به دلیل عواقب شوم و ناپسندی که در پی دارد، گناه شمرده شده و فاعل آن مرتکب فعل حرام گردیده است. برخی از عواقب این گناه؛ چنان‌که در روایات بی‌شمار نیز آمده است، ایجاد هوس، اضطراب، حسرت طولانی و بروز تیرگی و کدورت در روح (امیدی، ۱۳۹۴، ش ۳۲، ص ۱۱۲)، ازهم‌پاشیدگی خانواده، زایش گناه، مقایسه‌های هوس‌آلود، تنوع‌طلبی، بیماری عقل و ... است. ۲۱ آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور به مردان و زنان مؤمن صریحاً دستور چشم‌پوشی داده و می‌فرماید:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...»؛

به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند ... و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند ...

«یغضوا» از ماده «غَضَّ» و به معنای کم و کوتاه کردن نگاه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۳۶). این آیه عمومیت داشته و بر ممنوعیت نگاه به هر آنچه که مشاهده آن حرام و گناه است، دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۱۵۶). امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

«النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ إبْلِيسَ مَسْمُومٍ، وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةَ»

(کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۵۵۹)؛ نگاه (حرام به نامحرم)، تیری زهرآگین، از تیرهای شیطان است و چه بسیار نگاه‌هایی که پشیمانی و حسرت درازمدت و همیشگی بر جای می‌گذارد.

نیز حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام، حق دیدگان را در اثر گران‌سنگ «رساله حقوق»

چنین بیان می‌کنند:

«وَأَمَّا حَقُّ بَصْرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ ... وَ تَرْكُ ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ

بِهَا بَصْرًا أَوْ تَعْتَقِدُ بِهَا عِلْمًا فَانَّ الْبَصْرَ بَابُ الْاِعْتِبَارِ» (افشاری، ۱۳۸۸، ص ۳۹)؛

اما حق چشم تو آن است که آن را از هر ناروا بیوشانی ... و از هرزه‌نگری و بیهوده نگاه کردن پروا کنی؛ زیرا با چشم یا باید بر دانش خود بیفزایی و یا بیش خود را افزون کنی؛ چراکه چشم، وسیله عبرت‌آموزی است.

استوار بر این؛ چنان‌که پیداست، اسلام تأکید دارد که نگاه به نامحرم، با شعله‌ورکردن آتش شهوت، انسان را در فساد و تباهی غوطه‌ور می‌سازد (امینی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۱) و یکی از موانع اساسی رشد و ارتقای معنوی آدمی است که وی را از رسیدن به کمال (هدف نهایی خلقت) باز می‌دارد؛ لذا اسلام، آن را ممنوع اعلام کرده است. بدیهی است که هر چقدر وضعیت پوشیدگی و حیای افراد در اجتماعات، با بی‌مبالاتی و هرزگی بیش‌تری همراه باشد، میزان و احتمال ابتلای به نگاه حرام نیز افزون می‌شود؛ نگاه حرامی که خود مانع و سد بزرگی بر سر راه رشد معنوی شهروندان مسلمان محسوب و حکومت اسلامی اساساً برای تسهیل و تأمین لوازم و مقدمات این رشد پایه‌ریزی می‌شود.

نگاهی به شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور نیز نشان می‌دهد، اساس صدور فرمان این آیه، ناظر به حادثه‌ای در سطح جامعه بوده که منجر به سلب حق تردد آسوده و آرامش نگاه است. در شأن نزول آیه مزبور از امام باقر علیه السلام نقل شده است که:

جوانی از انصار در مسیر خود با زنی مواجه شد (در آن زمان، زنان مقنعه خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و طبعاً گردن و مقداری از سینه آن‌ها نمایان می‌شد)، چهره آن زن، نظر جوان را به خود جلب کرد و موجب شد به او چشم بدوزد. هنگامی که زن گذشت، جوان هم‌چنان با چشمان خود، وی را بدرقه می‌کرد و در حالی که راه خود را ادامه می‌داد، وارد کوچه تنگی شد و باز هم‌چنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد؛ ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود، صورتش را مجروح نمود! هنگامی که زن گذشت، جوان به خود آمد و متوجه شد که خون بر صورتش جاری شده و به لباس و سینه‌اش ریخته است (و سخت ناراحت شد)، با خود گفت: به خدا سوگند که من نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌روم و

این ماجرا را بازگو می‌کنم. هنگامی که چشم رسول خدا ﷺ به او افتاد، فرمود: چه شده است؟ جوان ماجرا را نقل کرد و در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا نازل شد و آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» را فرود آورد (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۴، ص ۱۳۹؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۸۸ و آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۳۳).

بنابراین، یکی از فرامین مهم و بنیادین دینی در راستای رشد معنوی مسلمانان، «لزوم پرهیز از نگاه حرام» است که بالتبع، وجود جامعه‌ای مبتنی بر قوانین الزام‌ساز در خصوص عفاف و پوشش را اقتضا دارد و یا حداقل جامعه ولنگار و بی‌قیدوبند در این زمینه، با این آموزه در تعارض و ناسازگاری است.

عدم اهتمام نسبت به پوشش اسلامی، مصداق تجاوز به حقوق دیگران

نظام حقوقی و قانون‌گذاری اسلام دو ویژگی برجسته دارد. نخست این‌که هرگونه قاعده حقوقی را با در نظر داشت بُعد معنوی و اخروی انسان وضع می‌کند و دیگر آن‌که جهت‌گیری کلیه قوانین را در راستای تحقق هدف عالی، نهایی و مشترک «تکامل انسان و تقرب او به خداوند»^{۲۲} می‌داند (دانش پژوه، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱). بر این مبنا، در جامعه اسلامی، رعایت پوشش اسلامی؛ هم حق و هم تکلیف است. توضیح آن‌که اولاً، پوشش اسلامی (پوشش شرعی بانوان) از جمله شعائر دینی (شباهنگ، ۱۳۹۵، ص ۱۵۳) و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، تعظیم شعائر واجب است که به اقتضای قاعده اصولی «امر به شیء موجب نهی از ضد است»، مفاد ثانوی این گزاره، حرمت ترک تعظیم شعائرالله خواهد بود. به عبارتی دیگر:

هر امری که در شرع، محترم شمرده شده است، اهانت به آن حرام است؛ زیرا استخفاف و اهانت به امر محترم شرعی، ملازم اهانت به شرع است و نیز احترام به شرع، مستلزم احترام مکلف به مقتضای اصل التزام به شرع و ایمان محسوب می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

از این رو، احترام شهروندان به قوانین اسلام؛ از جمله قانون پوشش اسلامی؛ هم حق

و هم تکلیف شهروندان حکومت اسلامی است. ثانیاً، در هر حقی، سه رکن یا عنصر اساسی من له الحق (کسی که حق برای اوست)، من علیه الحق (کسی که حق علیه اوست) و موضوع حق (آنچه متعلق حق است) یافت می‌شود. نگاهی به ارکان حق، بداهتاً تکلیف^{۳۳} را در مقابل آن متبادر می‌سازد. حق و تکلیف علاوه بر تلازم^{۳۴} با یکدیگر تقابل نیز دارند. تقابل حق و تکلیف بدین معناست که حق هرکس (من له الحق)، با تکلیف دیگران (من علیه الحق) همراه است که این تکلیف گاه جنبه مثبت دارد و گاه جنبه منفی. جنبه مثبت بدین معناست که من علیه الحق باید کاری را در مقابل من له الحق انجام دهد و جنبه منفی نیز بدین معناست که من علیه الحق نباید کاری را در مقابل من علیه الحق انجام دهد و وظیفه وی پرهیز از تجاوز به حقوق دیگران است (دانش پژوه، ۱۳۹۶، ص ۲۲-۲۱). مبتنی بر این، در حق محل بحث، شهروندان نسبت به رعایت پوشش اسلامی مکلف و نسبت به برخورداری از جامعه‌ای که به رعایت پوشش اسلامی اهتمام دارد، دارای حق خواهند بود. این حق و تکلیف را می‌توان با دو بیان و متکی بر گزاره حقوقی «حق بر تردد غیر مغایر با رشد معنوی، آزادانه و بدون محدودیت در جامعه از منظر اسلام» به اثبات رساند.

ابتدائاً نگاهی به ریشه و معنای «آزادی» در ادبیات حقوقی ضروری است. واژه‌نامه حقوقی «بلک» در تبیین معنای (Liberty) به دو معنای «آزادی از مانع خارجی خودسرانه و ناروا» و «حق، امتیاز یا مصونیتی که با حکم و یا اعطا به دست می‌آید»، اشاره نموده است. هم‌چنین ذیل واژه (Freedom) معنای «وضعیت آزادبودن یا آزادشده» را مورد توجه قرار داده است (Garner, 1384, pp 688 and 937). اما شاید تعریف واژه‌نامه عمومی «آکسفورد» از واژه (Freedom) دقیق‌تر و به معنای مقصود از آزادی در این مقام نزدیک‌تر باشد. این واژه‌نامه آزادی را به معنای «حق بیان یا انجام چیزی بدون مانع از سوی کسی»، «وضعیتی که قادر باشید آنچه را می‌خواهید انجام دهید، بدون این که چیزی مانع شما گردد»، «وضعیتی که در آن زندانی یا برده نباشید»، «وضعیتی که تحت تأثیر چیزی که ذکر شد (ترس و ...) نباشید» و «اجازه استفاده چیزی بدون محدودیت» اشاره نموده است (Wehmeier, 2010, p 618). بنابراین، می‌توان

گفت «آزادی» انسانی، اگرچه در موازین اسلامی با محدودیت‌هایی مواجه است، لیکن در حقوق غربی، جز حد و مرز پیش‌گفته (سلب آزادی دیگران) محدودیت دیگری ندارد و افراد باید به‌راحتی از آن برخوردار باشند. می‌توان ادعا نمود که تردد آزاد اجتماعی که با رشد معنوی در تضاد نباشد؛ هم مطابق با نظام فکری غرب و هم مطابق با نظام فکری اسلام، حقی واقعی و قابل شناسایی است؛ از این رو، عدم رعایت موازین اسلامی پوشش در گستره جامعه مسلمانان، برخورداری از این حق را با محدودیت و مانع روبه‌رو می‌سازد؛ چه آن‌که شعار جامعه اسلامی، پیروی از حق (هم در اعتقاد و هم در عمل) و هدف آن نیز سعادت انسانی است (طباطبایی، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۱۰۸ و ۱۰۱).

بنابراین، با فرض این‌که عدم اهتمام به پوشش اسلامی، گسترش برهنگی و عدم وجود ضوابط برای پوشش اسلامی شهروندان، زمینه‌ساز شیوع فحشا و بی‌بندوباری در سطح جامعه شده و برای رشد معنوی شهروندان متدین جامعه اسلامی مانعی بزرگ به حساب می‌آید، ضروری است تا نسبت به جلوگیری از این وضعیت؛ هم حاکمیت و هم دیگر شهروندان، اهتمام و توجه کافی را داشته باشند. به عبارت دیگر، شهروندان مسلمانی که در سایه حکومتی اسلامی و جامعه‌ای با اکثریت مسلمان زیست دارند را نباید از حق خودسازی بر اساس باورها و اعتقادات خود محروم، یا بهره‌مندی از این حق را برای ایشان با محدودیت مواجه ساخت. ادرگار بودنهایمر^{۲۵} می‌گوید:

انسان‌ها فرصت‌هایی برای تفریح و ارضای نیازهای معنوی و غیر مادی خویش لازم دارند. بنابراین، خوشبختی انسان متکی بر برآوردن نیازهای چندگونه‌ای است که شدت و قوت آن‌ها در انسان‌ها با هم فرق دارند ... تمام اقداماتی که خواست انسان به مشارکت مثبت و سازنده در تمدن را ارتقا می‌دهند و در جهت خدمت و نفع آن‌ها قرار دارد، بایستی در زمره مصلحت عمومی پنداشته شود؛ چراکه آن اقدامات موجب پیش‌برد خیر همه به مفهومی روشن می‌باشند (راسخ، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷-۱۱۶).

در نتیجه هر امری که مانع از تحقق خیر و رشد معنوی عمومی شود، بر خلاف مصلحت عمومی خواهد بود و باید از آن جلوگیری به عمل آورد.^{۲۶} اکنون می‌توان از دو

انگاره «حق بر عدم محدودیت در تردد اجتماعی» و «حق بر عدم زمینه‌سازی مانعیت در راه رشد معنوی» سخن به‌میان آورد.

حق بر رشد معنوی

چنان‌که گذشت، شهروندان جامعه اسلامی که از فرامین و آموزه‌های اسلامی پیروی می‌کنند، همواره رسیدن به هدفی عالی را دنبال می‌کنند که چیزی جز رشد معنوی، تکامل روحانی و تقرب به خداوند نیست. این هدف موجب حقی برای افراد با عنوان «حق بر دین‌داری» است (دشتی، ۱۳۹۵، ش ۲، ص ۵۳) که بر اساس آن، اشخاص دارای حق رشد معنوی در سایه تعالیم دین و دیگران مکلف به احترام گذاشتن به این حق و پرهیز از تجاوز به آن خواهند بود.

توضیح آن‌که در جامعه نمونه اسلامی، بر مبنای اصل مسؤولیت همگانی، افراد تعهدات و مسؤولیت‌های متعددی را برای حفظ سلامت جامعه و اعضای آن بر عهده دارند (هاشمی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۷). از این رو، یکی از ضرورت‌های بنیادین در روابط مسالمت‌آمیز اهالی یک کشور، احترام متقابلی است که این مسالمت را تسهیل می‌کند (همان، ص ۵۹۵). دو اصل بنیادین حاکم بر روابط اجتماعی در جامعه اسلامی؛ یعنی «اصل مسؤولیت» و «اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» نیز بر وجود تفاوت در ارزش‌ها و هنجارها و هم‌چنین حقوق و تکالیف افراد جامعه تأکید دارند. اصل نخست، ضرورت تحمل و مراعات متقابل انسانی را ایجاب نموده و اصل دوم نیز بر هم‌زیستی مشعر بر زدودن عداوت‌ها و نیل به الفت قلوب و استقرار اصل برادری تأکید دارد (هاشمی، ص ۱۰۹). لذا لازم است شهروندان در تعاملات خود، به حقوق و آزادی‌های برآمده از قانون یکدیگر احترام گذارند. اهتمام به پوشش، تکلیفی است که توسط قانون تعیین شده و عدم اهتمام به آن در تغایر با مسؤولیت اجتماعی شهروندان در قبال یکدیگر و نیز در تغایر با هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است و دیگران را (که عدم اهتمام فرد به هنجار پوشش اسلامی را تجاوز به حقوق و آزادی‌های خود می‌بینند) به درگیری و اقدام تحریک نموده و به غضب وا می‌دارد. بنابراین، هرگونه بی‌قانونی در حوزه پوشش

اسلامی (اعم از عدم وضع قانون و عدم اهتمام به قانون موضوع)، موجب تضييع حق مسلم شهروندی و انسانی افراد مسلمانی است که در پی رشد معنوی خود در سایه حکومت اسلامی هستند؛ چراکه بی قانونی مزبور، زمینه ساز فساد و گناه در گستره جامعه شده و سیر تکامل روحانی و معنوی شهروندان دین مدار را متوقف یا حداقل کند و محدود می کند. این نتیجه به هیچ وجه در ساختار یک حکومت اسلامی (که موظف به اجرایی سازی احکام دین و رشد و تعالی دادن معنوی شهروندان است) قابل پذیرش و توجیه نیست. در کنار هم قرار دادن مفاد مربوط به این حق در قانون اساسی (مانند بند ۱ و ۷ اصل ۲۷۳) و ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی،^{۲۸} به خوبی مدعای مذکور را تنقیح و تثبیت می کند.

حق بر تردد اجتماعی بدون محدودیت

حق عبور و مرور آزاد جزو حقوق ابتدایی و شناخته شده افراد در کشورهای دموکراتیک است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۸، ص ۵۶۱). این حق، بر آزادی و حق رفت و آمد انسانها بدون وجود محدودیتها تأکید دارد. در این راستا، شهروند مسلمانی که نگاه حرام را یکی از خطرناکترین عوامل در مسیر رشد معنوی خود می داند، این حق را خواهد داشت که از حکومت اسلامی، مبارزه با هرگونه مظاهر زمینه ساز نگاه حرام که اولاً، محدودیتی برای تردد اجتماعی اوست و موجب سختی و تکلف زیست اجتماعی وی می شود و ثانیاً، مانعی بر سر راه رشد معنوی او به شمار می رود را مطالبه داشته باشد.^{۲۹} متقابلاً دولت اسلامی نیز در راستای تحقق این مهم، مسؤولیت و تکلیف خواهد داشت.

بنابراین، بی قانونی در حوزه پوشش اسلامی (اعم از عدم وضع قانون و عدم اهتمام به قانون موضوع)، موجب می شود شهروندانی که به درستی باور به اثرات مخرب نگاه آلوده در حیات اجتماعی و سلامت دینی خود دارند، برای حضور در جامعه با محدودیت، فشار و آزار فراوانی مواجه شوند و در تعاملات اجتماعی روزمره خود، از عدم امنیت معنوی و آزادی تردد و نگاه، رنج ببرند.^{۳۰} در این جا، اگر شهروند متشرع و

قانون‌مند به شهروند بی‌مبالا و بدپوشش بگوید: «با برهنگی تو، آزادی من محدود می‌شود»، ادعای قابل دفاع و درستی را مطرح کرده است که البته مخاطب دیگر این مطالبه به حق، حکومت اسلامی خواهد بود؛ چه آن‌که وجود چنین ناامنی روانی و محدودیت ناعادلانه‌ای از حکومت اسلامی که هدف خود را رساندن شهروندان به کمال و رشد معنوی و تقرب الهی می‌داند، قابل انتظار نیست و اساساً نمی‌توان آن را موجه دانست.

یکی از مهم‌ترین نتایج این استدلال، بطلان گفتمانی است که در واکنش به تذکرات قانونی و شرعی نسبت به پوشش اسلامی، بر «لزوم چشم‌پوشی و رعایت نگاه توسط دیگران» تأکید داشته و به «آزادی بدون محدودیت خود و تردد با محدودیت دیگران» باور دارد. این گفتمان، خود را نسبت به استفاده از هر پوشش بی‌ضابطه و ناهنجاری آزاد و دارای حق می‌داند، اما دیگر شهروندان مسلمان که با دیدن این مظاهر موهن و زننده، دچار ناامنی نگاه و روان شده و در نتیجه در برخورداری از حق تردد آزادانه و رشد و تکامل معنوی با محدودیت، تکلف و مانع مواجه می‌شوند را فاقد حق دانسته و آزادی‌های آن‌ها را محترم نمی‌شمرد. گفتمان مزبور، اساساً هیچ توجهی ندارد که مطالبه دیگر افراد جامعه نسبت به رعایت پوشش اسلامی، در چهارچوب قوانین معتبر و برآمده از سطح بالای دانش و ایمان دینی بوده و بی‌التفاتی به این پوشش، رفتاری ضد قانون به‌شمار رفته و از سطح پایین آگاهی از فرهنگ دین اکثریت جامعه، نشأت می‌گیرد.^{۳۱}

نتیجه‌گیری

از آن‌چه گذشت به‌دست آمد که از مهم‌ترین رسالت‌ها و کارویژه‌های دانش حقوق، تأمین و تضمین نظم و آسایش عمومی شهروندان توسط حاکمیت است تا در پرتو فرامین آن، افراد جامعه بتوانند در سایه امنیتی روانی، زیستی با کم‌ترین نزاع و کشمکش داشته باشند. در این زمینه همواره نفع و مصلحت عمومی بر منافع فردی و گروه‌های اندک ترجیح خواهد داشت. اما مصادیق حقوق در هر جامعه‌ای بسته به ارزش‌های حاکم بر آن متفاوت است. اهتمام به پوشش واجب اسلامی و پرهیز از برهنگی و

ولنگاری در این حوزه؛ از جمله ارزش‌های مهم حاکم بر جامعه اسلامی ایران است که نقض و عدم اهتمام به آن، هرآینه در تعارض با حقوق دیگران و از مصادیق تجاوز به معنویت جامعه ارزیابی می‌شود. این گزاره را می‌توان علاوه بر حکم شرعی و خوب رعایت پوشش اسلامی در سطح اجتماع، استوار بر حکم شرعی حرمت نگاه حرام بازنمایی کرد. در واقع شهروندان جامعه اسلامی که تحت حاکمیت حکومتی اسلامی زیست دارند، محق خواهند بود که اولاً رشد معنوی آن‌ها تسهیل و از موانع آن توسط حکومت جلوگیری شود و ثانیاً در تردد اجتماعی خود که از حقوق بنیادین بشر است، برآمده از حکم حرمت نگاه حرام، با محدودیتی مواجه نگردند. بر این اساس، می‌توان گفت عدم الزام و التزام به پوشش اسلامی از سوی حاکمیت و شهروندان، مصادق تجاوز به حق شهروندان مسلمانی است که اولاً باید مسیر کمال و رشد معنوی خود را طی کنند و ثانیاً در طی این مسیر با مانع و محدودیت فراگیری نگاه حرام در تردهای اجتماعی خود مواجه نگردند. از این حق می‌توان با عنوان «حق زیست و امنیت معنوی» یاد کرد. الزام و التزام قانونی مزبور، مبتنی بر این حق، موجب تأمین نظم و آسایش عمومی در جامعه اسلامی است و از زمینه‌سازی پرخاش و نزاع ناشی از عدم اهتمام به هنجار شرعی پوشش جلوگیری به عمل می‌آورد. نتیجتاً در راستای تأمین نظم عمومی و تضمین حقوق شهروندان مسلمان، الزام و التزام به پوشش اسلامی ضروری ارزیابی می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. مانند آیات ۳۱ سوره نور و ۳۳، ۵۳، ۵۵ و ۵۹ سوره احزاب.
۲. مانند آیات ۳۰ سوره نور و ۳۱ سوره اعراف.
۳. نظر ۸۲/۳۰/۳۹۷۲ شورای نگهبان مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۷، قابل مشاهده در لینک مقابل:
www.B2n.ir/y18189
۴. ناگفته پیداست که مسلمانان پایبند به دستورات شرعی؛ چه در فرض وجود و چه در فرض فقدان حکومت اسلامی، خود را نه به دلیل وجود منطق حقوقی یا عقلی تجربی، بلکه به دلیل تعبد به فرمان خداوند، ملتزم به رعایت پوشش اسلامی می‌دانند و محور پرسش فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرند.
۵. اصل ۲ قانون اساسی.

۶. اصل ۸ قانون اساسی.

7. Public Order.

8. Public comfort.

۹. در این زمینه مفاد «سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در چهارچوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله» قابل توجه است؛ چراکه «استفاده از ابزارهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها برای پیش‌گیری و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی»، از جمله راه‌کارهای تعیین‌شده برای «ارتقای امنیت اجتماعی» معرفی شده است. مراجعه شود به لینک مقابل: <https://maslahat.ir/0001Ld>

۱۰. اصل ۴۰ قانون اساسی: «هیچ‌کس نمی‌تواند، اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

11. John Stuart Mill.

۱۲. امام خمینی علیه السلام در بیان خود می‌گوید: «آزادی معنایش این نیست که بنشینید بر خلاف اسلام صحبت کنید؛ آزادی در حدود قانون است. دین کشور ما اسلام است؛ آزادی در حدود این است که به اسلام ضرر نخورد. قانون اساسی ما دین را اسلام می‌داند» (سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۸۷).

۱۳. اصل ۲۴ قانون اساسی: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن‌که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند».

۱۴. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» (نور: ۲۴: ۵۵)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت.

15. Common right.

16. Joint right.

۱۷. حقی را گویند که هم‌زمان به دنبال تأمین مصالح فردی و اجتماعی است؛ مانند حق دولت در مجازات سارق که هم‌زمان مصالح و منافع مال‌باخته (فرد) و امنیت جامعه (اجتماعی) را تأمین می‌کند (مصطفی دانش‌پژوه، فلسفه حقوق (سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی)، ص ۶۴).

18. Chaste.

19. Pickthall.

۲۰. در این زمینه برخی آیات قرآن (مانند آیه ۲۰۵ سوره بقره، ۲۲ سوره محمد، ۹۰ سوره نحل و ۲ سوره جمعه) و برخی احادیث شایسته توجهند. در روایتی، پس از آن که فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام در باره چرایی و علل وجود دولت و حکومت و نیز ضرورت اطاعت از آن می پرسد، آن حضرت در پاسخ وی می فرماید: «برای علت های بسیار؛ از جمله آن که: مردم همین که در قانون، حد معین و مشخصی برایشان معلوم شد و مأمور بودند که از آن تجاوز نمایند تا به فساد کشیده نشوند، این امر مسلم و ثابت نشود و به وقوع نپیوندد، جز این که فرد شایسته و امینی بر آنان گمارده شود تا وی ایشان را از تعدی و تجاوز از قانون جلوگیری باشد و نگذارد در ممنوعات داخل شوند و به فساد گرایند؛ زیرا اگر این چنین نبود، هیچ کس از آن چه در آن لذت خود را می یافت و منفعتی برای خویش در آن می دید، ولو به فساد دیگری تمام شود، دست بر نمی داشت و خودداری نمی نمود، پس خداوند برای آنان قیم و سرپرست قرار داد تا آنان را از تباهی جلوگیری کند و در صورت تخلف، عقوبت نماید و حد زند و احکام را برقرار دارد» (ابن بابویه (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۹).

۲۱. شهید مطهری رحمته الله علیه در بیان خود می گوید: «با توجه به این که روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است، اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد ... هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالأخره هیچ دلی از هوس، سیر نمی شود و از طرفی تقاضای نامحدود؛ خواه ناخواه انجام نداشتنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری های روانی می گردد (که امروزه در دنیای غرب بسیار به چشم می خورد)» (مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۰).

۲۲. امام خمینی رحمته الله علیه در زمان تدوین پیش نویس قانون اساسی تأکید کرده اند که: «... سعی شود که در آن، کلیه حقوق و آزادی ها و فرصت های رشد و تعالی و استقلال این ملت بر مبنای موازین اسلامی که ضامن حقوق حقه افراد است... پیش بینی گردد» (سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۸۲).

۲۳. تکلیف به معنای انجام یا ترک فعلی است که قانون گذار فرد را بدان ملزم نموده است؛ به نحوی که اگر خلاف آن رفتار نماید، مجازات می شود. تکلیف قانون گذار همیشه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با اعطای حق به شخص مکلف همراه است (محمدجعفر جعفری لنگردوی، ترمینولوژی حقوق، حاوی

اصطلاحات رشته‌های حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی و تاریخ حقوق و رشته‌های مختلف فقه اسلامی، ج ۲، ص ۱۷۷).

۲۴. تلازم حق و تکلیف؛ یعنی هر صاحب حقی متناسب با حقوقی که دارد، تکالیفی نیز در برابر حقوق دیگران بر عهده خواهد داشت و چنین نیست که صاحب حق فقط حق داشته باشد و صاحب تکلیف فقط تکلیف (مصطفی دانش‌پژوه، فلسفه حقوق (سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی)، ص ۲۲).

25. Edgar Budenhamer.

۲۶. در این زمینه دو استفتای زیر شایسته توجه است:

۱. پرسش: اگر استاد، خانم باشد و لباس زننده و تحریک‌آمیز پوشیده باشد؛ به طوری که نگاه به او موجب تحریک انسان می‌شود، آیا برای فراگیری درس می‌توان به ایشان نگاه کرد؟ اگر با نگاه کردن، انسان تحریک می‌شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: باید دانشجویها به اطلاع رئیس برسانند تا این‌که اساتید را وادار به رعایت احکام اسلامی نمایند (حسینعلی منتظری، استفتائات، ص ۱۹۳).

۲. پرسش: حکم پوشیدن لباس آستین‌کوتاه برای مردان چیست؟ آیا ادارات می‌توانند ممانعت کنند؟ پاسخ: از کارهایی که باعث ضربه‌زدن به حیای عمومی است و گویای عدم شخصیت انسان است، اجتناب لازم است و نوع کار مورد سؤال از این قبیل می‌باشد و مؤسسات دولتی یا غیر آن می‌توانند از ورود چنین افرادی جلوگیری به عمل آورند (یوسف صانعی، مجمع المسائل، ص ۲۹۳).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، جدای از تکلیف فردی نسبت به اجتناب از حرام (نگاه و پوشش نامناسب)، نهادها و افراد دیگر حق یا تکلیف ممانعت دارند و این بدین دلیل است که محدودیت نگاه و ایدای اشخاص با پوشش غیر شرعی، قابل قبول نیست.

۲۷. اصل ۳ قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است ... همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۷. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون».

۲۸. ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

۲۹. ممکن است در رد این استدلال چنین توجیه شود که شخصی که با پوشش اسلامی موافق نیست نیز متقابلاً از این حق برخوردار است و امکان این ادعا را دارد که آزادی نگاه خود را از حقوق خود معرفی کرده و خواهان عدم وجود مناظر پوشش اسلامی در جامعه گردد. در پاسخ، اما باید گفت، این گونه ادعای حقوق که برآمده از میل شخصی و در تناقض با آموزه‌های ثابت دین اکثریت جامعه است، قابل قیاس با حقوق برآمده از وحی قطعی نخواهد بود. ضمن این که اساساً در جامعه اسلامی، همواره حق با شهروندانی است که اقامه حدود الهی و قوانین اسلام را مطالبه دارند و نه افرادی که خواهان برچیدن مظاهر و ثوابت دین هستند. آیت‌الله مکارم شیرازی در ذیل پاسخ به استفتایی که در آن با نوعی گلایه و تحاشی، اجبار به حجاب و عدم اجبار به بی‌حجابی در ایران و غرب مورد مقایسه قرار گرفته بود، می‌گوید: «نوشته‌اید که اگر ما به کشورهای آن‌ها برویم و ما را اجبار به بی‌حجابی کنند، چه می‌شود؟ فراموش نکنید که آن‌ها بی‌حجابی را واجب نمی‌دانند؛ درحالی که ما حجاب را واجب می‌دانیم. نسبت به حجاب که ما می‌توانیم اعمال کنیم، کار صحیح و عادلانه‌ای است و ما دوران قبل از انقلاب را فراموش نکرده‌ایم که وقتی اختیار و آزادی داده شد، چه زانی با چه وضعی بیرون آمدند و اکثر جوانان را به فساد کشیدند». مراجعه شود به: www.B2n.ir/x67587

۳۰. رد پا و ادبیات این حق را به‌روشنی می‌توان در اسناد حقوق بشری نیز بازبایی کرد. برای نمونه به موارد ذیل توجه شود:

بند (الف) ماده ۱۷ «اعلامیه قاهره در باره حقوق بشر در اسلام»: «هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفساد و بیماری‌های اخلاقی به‌گونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند، جامعه و دولت موظفند این حق را برای او فراهم کنند».

ماده ۲۹ «اعلامیه جهانی حقوق بشر»: «الف) هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد کامل شخصیت او را میسر سازد. ب) هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به‌وسیله قانون، منحصراً به‌منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است».

بند ۳ ماده ۱۲ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»: «حقوق مذکور فوق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نخواهد بود، مگر محدودیت‌هایی که به‌موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی - نظم عمومی - سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته‌شده در این میثاق سازگار باشد».

بند ۳ ماده ۱۸ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»: «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود، مگر آن‌چه منحصرأ به‌موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد».

۳۱. در طرح این دلیل، بیش‌تر بُعد و خوانش حقوقی آن مد نظر قرار گرفت و از بیان دلایل و استدلال‌های فراوان دینی صرف نظر و ارائه تفصیلی آن به جایگاهی دیگر واگذار شد. برای نمونه، یکی از مبانی دینی اساسی این استدلال بر لزوم الزام و التزام به پوشش اسلامی، «حرمت ایذای مؤمن» است. در این راستا روایت ذیل درخور توجه است:

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرموده‌اند: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الصُّدُودُ لِأَوْلِيَائِي فَيَقُومُ قَوْمٌ لَيْسَ عَلَى وُجُوهِهِمْ لَحْمٌ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ آذَوْا الْمُؤْمِنِينَ وَنَصَبُوا لَهُمْ وَعَادَوْهُمْ وَعَنْفَوْهُمْ فِي دِينِهِمْ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ» (علی بن حسن طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۳)؛ چون روز قیامت شود، منادی ندا کند: کجايند آنان که راه دوستانم را می‌بستند؟ در این هنگام گروهی که صورت آنان گوشت ندارد بر خیزند. گفته شود: این‌ها هستند کسانی که مؤمنین را آزرده و کینه آنان را به دل گرفتند و با آنان دشمنی کردند و آن‌ها را با درستی در دین‌شان سرزنش کردند؛ سپس فرمان داده می‌شود که آنان را به دوزخ برند.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق: عبدالباری، عطیه، ج ۹، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه: محمدتقی اصفهانی (آقاجفی)، ج ۲، تهران: جهان، بی‌تا.
۳. افشاری، محمدحسین، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، قم: مشهور، ۱۳۸۸.
۴. الجزیری، عبدالرحمن بن محمدعوض، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۲، ۱۴۲۴ق.
۵. الزحیلی، وهبة بن مصطفى، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱، دمشق: دارالفکر، ج ۴، ۱۴۰۹ق.
۶. العروسی‌الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۳، قم: اسماعیلیان، ج ۴، ۱۴۱۵ق.

۷. امام خمینی، سیدروح‌الله، **صحیفه امام**، ج ۵، ۶، ۷، ۱۴ و ۲۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
۸. امام خمینی، سیدروح‌الله، **ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ج ۳۱، ۱۳۹۷.
۹. امیدی، سجاد، «نگاه مجاز و غیر مجاز از دیدگاه اسلام»، **نشریه بصیرت و تربیت اسلامی**، ش ۳۲، ۱۳۹۴.
۱۰. امینی، ابراهیم، **آیین همسرداری**، تهران: انتشارات اسلامی، ج ۴۳، ۱۳۷۴.
۱۱. بهارلویی، عبدالله، «حق عمومی حیات در اسلام و اعلامیه‌های حقوق بشر»، **اندیشه‌های حقوق عمومی**، ش ۱۰، ۱۳۹۵.
۱۲. بهبهانی، محمدباقر بن محمداکمل، **مصاییح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع**، ج ۱، قم: مؤسسه علامه مجدّد و حید بهبهانی، ۱۴۲۴ق.
۱۳. جعفری لنگردوی، محمدجعفر، **ترمینولوژی حقوق**، حاوی اصطلاحات رشته‌های حقوق، **علوم سیاسی و اقتصادی و تاریخ حقوق و رشته‌های مختلف فقه اسلامی**، ج ۲، تهران: انتشارات گنج دانش، ج ۴، ۱۳۶۸.
۱۴. جمعی از نویسندگان، **دایرةالمعارف حقوق عمومی**، به‌اهتمام: سیدمحمد مهدی غمامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۶.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، **حق و تکلیف در اسلام**، قم: مرکز نشر اسراء، ج ۶، ۱۳۹۲.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، **فلسفه حقوق بشر**، قم: مرکز نشر اسراء، ج ۳، ۱۳۸۱.
۱۷. حبیب‌زاده، محمدکاظم، **اصول و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی**، تهران: انتشارات جاودانه - جنگل، ج ۲، ۱۳۹۸.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، ج ۱۴ و ۲۰، قم: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.
۱۹. حکیم، سیدمحسن، **مستمک العروة الوثقی**، ج ۵، قم: دارالتفسیر، ۱۳۸۷ق.
۲۰. دانش‌پژوه، مصطفی، **فلسفه حقوق (سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی)**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۶.
۲۱. دانش‌پژوه، مصطفی، **مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۹، ۱۳۹۲.

۲۲. دشتی، تقی، «حق دین‌داری و رابطه آن با مردم‌سالاری دینی»، *فقه حکومتی*، ش ۲، ۱۳۹۵.
۲۳. راسخ، محمد، *حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش*، ترجمه مقاله «درآمدی بر تئوری مصلحت عمومی»، اثر: ادگارد بورنیهیمی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۱.
۲۴. رفیعی، رمضان‌علی، «مبانی اختیارات نظام اسلامی برای جلوگیری از بدحجابی در جامعه»، *مجموعه مقالات حجاب: مسؤلیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی*، تدوین: ابراهیم شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷.
۲۵. رهایی، سعید، *آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل؛ با نگاهی به رهیافت اسلامی*، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۹.
۲۶. روزبهان، محسن، *حق انسان بر آزادی رفت و آمد*، تهران: میزان، ۱۳۹۴.
۲۷. سبحانی تبریزی، جعفر، «آزادی مطلق یا آزادی محدود»، *کلام اسلامی*، ش ۴۳، ۱۳۸۱.
۲۸. سبزواری، عبدالاعلی، *مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام*، ج ۵، قم: دارالتفسیر، ۱۳۸۸.
۲۹. شباهنگ، مهران، *مبانی فقهی نهادینه‌سازی شعائر دینی: مطالعه موردی حجاب در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۵.
۳۰. صانعی، یوسف، *مجمع المسائل*، قم: انتشارات میثم تمار، ۱۳۷۶.
۳۱. ضیایی فر، سعید، «مبانی اختیارات نظام اسلامی در زمینه جلوگیری از بدحجابی»، *مجموعه مقالات حجاب: مسؤلیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی*، تدوین: ابراهیم شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷.
۳۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *حقوق اداری*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
۳۳. طباطبایی، سیدمحمد و خسروشاهی، سیدهادی، *روابط اجتماعی در اسلام به ضمیمه چند رساله دیگر*، ترجمه: محمدجواد حجتی کرمانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۳۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۱ م.
۳۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۵، قم: دارالعلم، ۱۳۶۳.
۳۶. طبرسی، علی بن حسن، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، ج ۱، قم: دارالتقلین، ۱۳۷۹.
۳۷. عمید زنجانی، عباس‌علی، *قواعد فقه (بخش حقوق عمومی)*، تهران: انتشارات سمت، چ ۵، ۱۳۹۸.

۳۸. قاضی شریعت پناهی، سیدابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، چ ۱۵، ۱۳۹۸.
۳۹. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ ۳۵، ۱۳۸۲.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الأصول من الکافی، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۱۴۰۴.
۴۱. گرجی، علی اکبر، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، فصلنامه حقوق اساسی، ش ۲، ۱۳۸۳.
۴۲. گلپایگانی، سیدمحمد رضا، نتائج الأفكار الی نجاسة الکفار، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۹.
۴۳. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا، چ ۷۸، ۱۳۸۷.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، احکام خانواده، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ ۲، ۱۳۸۹.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۳۲، ۱۳۷۴.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، ج ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ ۱۴۲۴.
۴۷. منتظری، حسینعلی، استفتائات، قم: نشر تفکر، ۱۳۷۱.
۴۸. موسوی بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیه، ج ۵، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷.
۴۹. میراحمدی زاده، مصطفی، «حجاب؛ حوزه خصوصی و مصلحت عمومی»، مجموعه مقالات حجاب؛ مسؤلیت ها و اختیارات دولت اسلامی، تدوین: ابراهیم شفیعی سروسنانی، ۱۳۸۷.
۵۰. میل، جان استورات، در باره آزادی، ترجمه: محمود صناعتی، تهران: انتشارات پایدار، ۱۳۴۰.
۵۱. نیلی احمدآبادی، هاجر و کرباسی زاده، علی، «آزادی اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی علیه السلام و کانت»، حکمت و فلسفه، ش ۳، ۱۳۹۱.
۵۲. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: نشر میزان، چ ۵، ۱۴۰۰.
۵۳. همایون مصباح، سیدحسین، «مبانی مسؤلیت دولت در ایجاد شرایط مطلوب حجاب و عفاف در جامعه»، مجموعه مقالات حجاب؛ مسؤلیت ها و اختیارات دولت اسلامی، تدوین: ابراهیم شفیعی سروسنانی، ۱۳۸۷.
54. Garner, Bryan, (EditorinChief), BlackLawDictionary, Tehran, Mizan, FirstEdition, 1384.
55. Wehmeier, Sally, (ChiefEditor), OxfordAdvancedLearner'sDictionary, NewYork: OxfordUniversityPress, 7thedition, 2010.